

# کسینجر: چین و آمریکا هر یک خود را متقاعد کرده‌اند که طرف مقابل یک خطر استراتژیک است

به گزارش صدای تجارت، نشریه اکونومیست در گزارشی نوشت مقامات پکن به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا برای پائین نگه داشتن قدرت چین دست به هر کاری خواهد زد. از سوی دیگر مقامات واشنگتن هم قاطعانه معتقدند که چین در حال نقشه‌کشی برای جانشینی ایالات متحده به عنوان قدرت برتر جهان است.

برای تحلیلی هوشیارکننده از این تضاد فزاینده و برنامه‌ای برای جلوگیری از ایجاد جنگ ابرقدرت‌ها به طبقه ۳۳ ساختمان آرت دکو در مرکز شهر منهتن رفته‌ایم، جایی که دفتر هنری کیسینجر در آنجا مستقر است.

در ۲۷ ماه مه (۶ خرداد) کیسینجر ۱۰۰ ساله می‌شود. هیچ شخص دیگری در دنیا وجود ندارد که در قید حیات باشد و تجربه بیشتری از کیسینجر در روابط بین‌الملل داشته باشد.

در پایان ماه آوریل، نشریه اکونومیست بیش از هشت ساعت با کیسینجر در مورد چگونگی جلوگیری از تبدیل شدن رقابت میان چین و آمریکا به جنگ میان این دو ابرقدرت صحبت کرد. این روزها خمیده است و به سختی راه می‌رود اما ذهنش همچنان پویاست.

همان‌طور که او به دو کتاب بعدی خود در مورد «هوش مصنوعی» (AI) و «ماهیت اتحادها» فکر می‌کند، بیشتر علاقه‌مند به نگاه کردن به آینده است تا اینکه به گذشته بنگرد.

وی ابتدا به عنوان یک محقق دیپلماسی قرن ۱۹، بعد به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا و وزیر خارجه این کشور و در ۴۶ سال گذشته هم به عنوان مشاور دولت آمریکا و فرستاده ویژه ایالات متحده برای دیدار و گفت‌وگو با پادشاهان، روسای جمهور و نخست‌وزیران کشورهای دنیا دارای کوله‌باری از تجربه است.

کیسینجر نگران است. او گفت: هر دو طرف (چین و آمریکا) خود را متقاعد کرده‌اند که طرف مقابل یک خطر استراتژیک است. ما در مسیر

رویاری قدرتهای بزرگ هستیم.

کیسینجر از تشدید رقابت چین و آمریکا برای برتری فنی و اقتصادی نگران است. حتی زمانی که روسیه در مدار چین فرو میرود و جنگ بر جناح شرقی اروپا سایه می‌اندازد، او می‌ترسد که هوش مصنوعی رقابت چین و آمریکا را تقویت کند.

در سراسر جهان، «موازنه قوا» و «اساس فناورانه جنگ» چنان سریع و به طرق مختلف در حال تغییر است که کشورها فاقد هرگونه اصل ثابتی هستند که بتوانند بر اساس آن نظم را برقرار کنند و اگر نتوانند نظم را برقرار کنند، ممکن است به زور متوسل شوند.

کیسینجر گفت: ما در موقعیت کلاسیک قبل از جنگ جهانی قرار داریم، جایی که هیچ‌یک از طرفین از امتیازات سیاسی زیادی برخوردار نیستند و در آن هرگونه اختلال در تعادل می‌تواند به عواقب فاجعه‌باری منجر شود.

### جنگ را بیشتر مطالعه کن

کیسینجر توسط بسیاری به عنوان یک جنگ‌طلب به خاطر نقش خود در جنگ ویتنام مورد انتقاد قرار می‌گیرد اما او اجتناب از درگیری بین قدرتهای بزرگ را محور کار زندگی خود می‌داند. پس از مشاهده قتل عام ناشی از آلمان نازی، او متقاعد شد که تنها راه برای جلوگیری از درگیری ویرانگر، دیپلماسی سرسخت است که به طور ایده‌آل توسط ارزشهای مشترک تقویت شده است.

کیسینجر گفت: این مشکلی است که باید حل شود و من معتقدم که تمام عمرم را صرف مقابله با آن کرده‌ام.

از نظر وی، سرنوشت بشریت بستگی به این دارد که آیا آمریکا و چین خواهند توانست با هم کنار بیایند یا نه.

کیسینجر معتقد است که مخصوصاً پیشرفت سریع هوش مصنوعی، فقط ۵ تا ۱۰ سال به آنها فرصت می‌دهد تا راهی پیدا کنند.

کیسینجر چند توصیه ابتدایی به رهبران مشتاق دارد: بدون تعارف، مشخص کنید کجا ایستاده‌اید.

علیرغم شهرت آشتی‌جویانه کیسینجر نسبت به دولت حاکم در پکن، وی اذعان می‌کند که بسیاری از متفکران چینی معتقدند آمریکا در یک شیب

نزولی قرار دارد و بنابراین، در نتیجه یک تحول تاریخی، آنها در نهایت جای ما را خواهند گرفت.

او معتقد است که رهبری چین از صحبت‌های سیاستمداران غربی درباره نظم جهانی مبتنی بر قواعد (در حالی که منظور آنها از «قواعد»، قوانین آمریکا و نظم مورد نظر ایالات متحده است)، خشمگین است.

از نظر حاکمان چین، اعطای امتیازات از سوی کشورهای غربی به چین به این شرط که یکن معقول و درست رفتار کند، یک توهین تلقی می‌شود چرا که آنها مطمئناً فکر می‌کنند که به عنوان یک قدرت نوظهور، این امتیازات حق مسلم آنهاست.

در واقع برخی از مقامات چین گمان می‌کنند که آمریکا هرگز با چین به عنوان یک ابرقدرت هم‌قد و هم‌قواره و هم‌سطح خودش رفتار نخواهد کرد و احمقانه است که تصور کنیم چنین چیزی ممکن است.

با این حال، کیسینجر همچنین نسبت به تفسیر نادرست جاه طلبی‌های چین هشدار داد و گفت: حاکمان واشنگتن می‌گویند که چین خواهان سلطه بر جهان است اما به عقیده من چینی‌ها فقط می‌خواهند قدرتمند باشند. آنها به دنبال سلطه بر جهان آن‌گونه که هیتلر به دنبال آن بود، نیستند. حاکمان چین هرگز به نظم جهانی اینگونه فکر نکرده و نمی‌کنند.

کیسینجر گفت: در آلمان نازی جنگ اجتناب ناپذیر بود زیرا آدولف هیتلر به آن نیاز داشت اما چین متفاوت است.

وی از زمان اولین دیدار خود با مائو تسه تونگ، با بسیاری از رهبران چین ملاقات کرده و در تعهد ایدئولوژیک آنها تردیدی نداشت اما این تعهد ایدئولوژیک، همیشه در حس عمیق منافع و توانایی‌های کشورشان ادغام شده است.

کیسینجر سیستم چین را بیشتر کنفوسیوسی می‌داند تا مارکسیستی. این امر به رهبران چین می‌آموزد که به حداکثر قدرتی که کشورشان قادر است دست یابند و به دنبال این باشند که به خاطر دستاوردهایشان مورد احترام قرار گیرند.

حاکمان چینی می‌خواهند در نظم نوین جهانی، به عنوان دارنده حق تام‌الاختیار در مورد منافع خود شناخته شوند.

کیسینجر این پرسش را مطرح کرد که اگر چینی‌ها در آینده به حدی از

برتری دست یا بند که واقعا توان این را داشته باشند که با استفاده از آن برتری، حرف خود را بر کرسی بنشانند، آیا از آن برتری، برای تحمیل فرهنگ چینی در سراسر جهان استفاده خواهند کرد؟

وی پاسخ پرسش خودش را این‌گونه می‌دهد: من واقعا نمی‌دانم. گزینه من می‌گوید پاسخ این پرسش منفی است اما با این حال معتقدم که ما باید این توانایی را در خود ایجاد کنیم که با ترکیبی از «دیپلماسی» و «زور» از به وجود آمدن چنین وضعیتی جلوگیری کنیم.

به عقیده کیسینجر یکی از پاسخ‌های طبیعی آمریکا به چالش جاه‌طلبی چین، بررسی آن (جاه‌طلبی) به عنوان راهی برای شناسایی چگونگی حفظ تعادل بین دو قدرت (چین و آمریکا) است.

کیسینجر معتقد است که یکی دیگر از پاسخ‌های آمریکا با این چالش فزاینده (جاه‌طلبی چین)، ایجاد گفت و گوی دائمی بین دو ابرقدرت (چین و آمریکا) است.

وی گفت: چین در تلاش است نقشی جهانی ایفا کند. ما باید در هر مرحله ارزیابی کنیم که آیا مفاهیم نقش استراتژیک (از نظر دو ابرقدرت) با هم سازگار است یا خیر. اگر این مفاهیم با هم سازگار نباشند، بحث زور مطرح خواهد شد.

کیسینجر در پاسخ به این پرسش که آیا امکان وجود هم‌زمان چین و ایالات متحده در دنیا و بدون تهدید جنگ همه‌جانبه با یکدیگر وجود دارد؟، گفت: من در گذشته بر این باور بودم و هنوز هم بر این باور هستم که بله، این امکان وجود دارد اما تحقق این امکان امری تضمین شده نیست.

وی افزود: این احتمال وجود دارد که این امکان ممکن نشود و بنابراین، ما باید از نظر نظامی به اندازه کافی قوی باشیم تا از پس تحمل عواقب به وجود نیامدن این امکان (امکان وجود هم‌زمان چین و آمریکا در دنیا) برآییم.

به عقیده کیسینجر مساله تایوان، آزمونی فوری است که نحوه رفتار و تعامل چین و آمریکا با یکدیگر را در بوته آزمایش قرار خواهد داد.

وی به یاد آورد که چگونه در اولین سفر ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به چین در سال ۱۹۷۲، مائو تنها شخصی بود که از طرف چینی‌ها صلاحیت مذاکره بر سر جزیره تایوان را داشت.

کیسینجر گفت: هرگاه نیکسون موضوع مشخصی را مطرح می‌کرد، ما تو می‌گفت من یک فیلسوف هستم و با این موضوعات سر و کار ندارم. اجازه دهید «ژو» [انلای] و کیسینجر در این مورد بحث کنند؛ اما وقتی نوبت به تایوان رسید، ما تو خیلی صریح بود و گفت آنها یکسری ضدانقلاب هستند. ما الان به آنها نیاز نداریم و می‌توانیم ۱۰۰ سال صبر کنیم. (اما) روزی (خواهد رسید که) ما آنها را طلب خواهیم کرد ولی (فعلا) فاصله زیادی (تا آن روز) داریم.